

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ تعلیم و تربیت در ایران

از ورود اسلام تا برآمدن صفویان

بهرروز رفیعی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۴۰۳

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۴۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد برای دروس «تاریخ آموزش و پرورش ایران و جهان» و «تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام» و رشته تاریخ در مقطع ارشد برای دروس «تاریخ آموزش در تمدن اسلامی» و «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت ارتقای کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم، آقای بهروز رفیعی و نیز از زنده یاد آقای دکتر ناصر تکمیل همایون و آقای دکتر حسین شانه‌چی که با ارزیابی و ارائه نظرات اصلاحی بر غنای اثر افزودند، سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	دیباچه.....
۱	ارزش و فایده تاریخ.....
۲	الف) فهم درست و بهتر مسائل زندگی کنونی.....
۲	ب) خودشناسی.....
۳	ج) درس گرفتن از تاریخ.....

فصل اول: آموزش و پرورش ایران در دوران خلفای راشدین

۹	زمینه‌های نفوذ اسلام در ایران عصر ساسانی.....
۱۰	آموزش و پرورش ایران در این دوران.....
۱۱	نهادهای آموزشی ایران این عصر.....
۱۱	اردبیل.....
۱۱	اصفهان.....
۱۲	سمرقند.....
۱۲	سمنان.....
۱۲	فارس.....
۱۲	نیشابور.....
۱۲	مدائن.....

فصل دوم: آموزش و پرورش ایران در دوره اموی (۴۱-۵۱۳۲.ق)

۱۴	اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره اموی.....
۱۵	خط و زبان ایرانیان در دوره اموی.....
۱۶	آموزش و پرورش در ایران این دوران.....
۱۶	مراکز و نهادهای آموزشی ایران در دوره اموی.....
۱۷	مکتب.....
۱۸	مسجد.....

۱۹	آمل
۱۹	ازجان
۱۹	افشنه
۱۹	بخارا
۱۹	بلخ
۲۰	جرجان
۲۰	دامغان
۲۰	سیستان
۲۰	فارس
۲۰	قزوین
۲۱	قم
۲۱	کرمان
۲۱	مرو
۲۱	نیشابور
۲۲	یزد
۲۲	آتشکده
۲۲	مراکز علمی و آموزش عالی
۲۲	جندی شاپور
۲۳	دارالعلم‌ها
۲۳	دارالعلم ازجان
۲۳	دارالعلم شینیز / سینیز
۲۳	کتابخانه مرو
۲۴	فعالیت‌های آموزشی زنان و دختران ایرانی در دوره اموی
۲۴	وضع مالی و منزلت معلمان در ایران عصر اموی
۲۵	روش‌های آموزشی ایرانیان در دوره اموی
۲۵	تنبیه بدنی در مکتب
۲۶	مواد آموزشی ایرانیان در دوره اموی
۲۶	مواد درسی در مکتب
۲۶	مواد درسی پس از مکتب
۲۷	مواد درسی و پژوهشی جندی شاپور و دارالعلم ازجان و شینیز
۲۷	علم و عالمان در ایران این دوران
۲۷	علم
۲۸	عالمان

فصل سوم: آموزش و پرورش ایران در عصر نخست عباسی (۱۳۲-۵۳۲.ق)

۳۳	برآمدن عباسیان
۳۴	وضع فرهنگی و اجتماعی ایران در عصر نخست عباسی
۳۵	پیدایش فرهنگ و تمدن اسلامی
۳۶	طبقات اجتماعی در ایران عصر نخست عباسی
۳۷	خط و زبان ایران در عصر نخست عباسی
۳۷	نگارش آثاری به زبان پهلوی ساسانی
۳۸	مشارکت پویا در نهضت ترجمه
۳۸	فعالیت در بیت‌الحکمه
۳۸	آموزش و پرورش در ایران این دوران
۳۹	مراکز و نهادهای آموزشی ایران در عصر نخست عباسی
۳۹	مکتب (دبیرستان)
۳۹	اصفهان
۳۹	بخارا
۳۹	بسطام
۳۹	بلکار
۳۹	مرو
۴۰	هرات
۴۰	مسجد
۴۰	آمل
۴۰	ازجان
۴۰	بلخ
۴۱	بیکند
۴۱	ساری
۴۱	فَرب
۴۱	قزوین
۴۱	قندوز
۴۱	مدرسه
۴۲	مدرسه زندان، نخستین مدرسه جهان اسلام
۴۲	مدرسه امام ابوحنیفه بخاری (۱۵۰-۵۲۱.ق)
۴۲	مدرسه محمد صالح بیک
۴۳	وزاقي‌ها
۴۳	خانه عالمان و دولت‌مردان
۴۴	کتابخانه
۴۴	کتابخانه یزدگردی مرو

۴۴	آتشکده.....
۴۴	رباط.....
۴۴	مراکز علمی و آموزش عالی در ایران عصر نخست عباسی.....
۴۴	چندی شاپور.....
۴۵	روش‌های آموزشی ایرانیان عصر نخست عباسی.....
۴۵	برنامه و مواد آموزشی ایرانیان در عصر نخست عباسی.....
۴۵	برنامهٔ درسی مکتب.....
۴۵	برنامهٔ درسی پس از مکتب.....
۴۶	وسایل آموزش و نگارش ایرانیان در عصر نخست عباسی.....
۴۶	کاغذ.....
۴۶	لوح در مکتب.....
۴۶	کاغذ در تحصیلات پس از مکتب.....
۴۶	قلم.....
۴۶	مرکب.....
۴۷	آموزش دختران در ایران عصر نخست عباسی.....
۴۷	تقسیم آموزشکاران به معلم و مؤدب.....
۴۷	لباس عالمان و معلمان.....
۴۸	معاش عالمان و معلمان.....
۴۸	علم و عالمان در ایران این دوران.....

فصل چهارم: آموزش و پرورش ایران در عصر طاهریان (۲۰۵-۵۲۵۹ ق)

۵۳	برآمدن طاهریان.....
۵۳	مردمداری طاهریان.....
۵۴	ادبیات فارسی در دورهٔ طاهریان.....
۵۵	کوشش برای پاس‌داشت فرهنگ ایرانی.....
۵۶	آموزش و پرورش در دورهٔ طاهریان.....
۵۶	مراکز آموزشی و نهادهای علمی.....
۵۶	مکتب.....
۵۶	اصفهان.....
۵۷	بلخ.....
۵۷	نِهاوند.....
۵۷	هرات.....
۵۷	مکتب خاص فرزندان فرماندهان.....
۵۷	مدرسه.....
۵۸	مسجد.....

۵۹	اصفهان.....
۵۹	سمرقند.....
۵۹	مرو(شاه‌جان).....
۵۹	خانهٔ عالمان.....
۶۰	آموزش خصوصی در خانهٔ عالمان.....
۶۰	قصر حاکمان.....
۶۰	آتشکده.....
۶۰	کتابخانه.....
۶۱	مکانی ویژهٔ آموزش فرزندان سران سپاه.....
۶۱	زبان آموزشی.....
۶۱	علم و عالمان در ایران این دوران.....
۶۱	علم.....
۶۳	توجه به عالمان در دورهٔ طاهریان.....

فصل پنجم: آموزش و پرورش ایران از صفاریان تا سلجوقیان (۲۵۹-۴۲۹)

۶۵	وضع سیاسی و فرهنگی و اجتماعی ایران در این دوران.....
۶۵	۱. صفاریان (۲۴۷-۳۹۹ ه.ق.).....
۶۷	۲. سامانیان (۲۷۹-۳۸۹ ه.ق.).....
۶۹	۳. علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ ه.ق.).....
۷۲	۴. زبیریان (۳۱۵-۴۳۴ ه.ق.).....
۷۴	۵. آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه.ق.).....
۸۰	۶. غزنویان (۳۵۱-۵۵۸۲ ه.ق.).....
۸۳	آموزش و پرورش در ایران این دوران.....
۸۴	عمومی شدن دانش‌اندوزی.....
۸۵	مراکز آموزشی و نهادی علمی و فرهنگی.....
۸۵	مکتب.....
۸۶	سن آغاز تحصیل در مکتب.....
۸۶	دو نوع مکتب.....
۸۶	تشویق مردم برای فرستادن فرزندان خود به مکتب.....
۸۷	مکتب با معلم زن.....
۸۷	بلخ.....
۸۷	جرجان.....
۸۸	ری.....
۸۸	طالقان دیلم.....
۸۸	قزوین.....

۸۸ مرو
۸۸ نَسَف (نخشب)
۸۸ هرات
۸۹ مسجد
۹۱ اَمَل
۹۱ اصفهان
۹۱ بخارا
۹۱ بردسیر
۹۲ ترکستان
۹۲ جیرفت
۹۲ خوزستان
۹۲ سمرقند
۹۲ شیراز
۹۲ غزنین
۹۲ قزوین
۹۳ مراغه
۹۳ نطنز
۹۳ نهاوند
۹۳ مدرسه
۹۴ اَمَل
۹۴ اصفهان
۹۴ بخارا
۹۴ بُست
۹۴ بلخ
۹۵ بوزجان
۹۵ تبریز
۹۵ خُتْلان (ختل)
۹۵ رودسر
۹۵ ری
۹۵ طابران
۹۵ مَرَسَت
۹۶ نیشابور
۹۶ هرات
۹۶ مدارس ویژه
۹۶ مدرسه آموزش امور دیوانی

۹۷	مدرسه نظامی
۹۸	دارالسنه
۹۸	خانه عالمان
۹۹	قصر حاکمان
۱۰۰	آموزش امیرزادگان و اشراف
۱۰۳	مجالس علمی - فرهنگي دربار
۱۰۴	مصلی
۱۰۴	دکان به‌ویژه دکان کاغذفروشان
۱۰۶	کتابخانه
۱۰۷	آمل
۱۰۷	اصفهان
۱۰۷	بخارا
۱۰۷	بردسیر
۱۰۸	رامهرمز
۱۰۸	ری
۱۰۸	سرخس
۱۰۸	شیراز
۱۰۹	غزنین
۱۰۹	قزوین
۱۰۹	مرو
۱۰۹	مشهد
۱۱۰	نیشابور
۱۱۰	یزد
۱۱۰	کتابخانه‌های شخصی
۱۱۲	رصدخانه
۱۱۲	اصفهان
۱۱۲	ری
۱۱۳	بیمارستان
۱۱۴	آمل
۱۱۴	اصفهان
۱۱۴	بردسیر
۱۱۴	ترمذ
۱۱۴	جرجان
۱۱۴	ری
۱۱۴	زرنج

۱۱۴	شیراز.....
۱۱۵	غزنین.....
۱۱۵	مرو.....
۱۱۵	نیشابور.....
۱۱۵	آرامگاه عالمان.....
۱۱۶	خانقاه و رباط.....
۱۱۶	خانقاه.....
۱۱۸	رباط.....
۱۲۰	سکّه.....
۱۲۱	خان (تیمچه / کاروان سرا).....
۱۲۱	صُفّه (ایوان).....
۱۲۲	صومعه.....
۱۲۲	نیشابور.....
۱۲۲	میمنه.....
۱۲۲	آموزش و پرورش اقلیت‌های مذهبی.....
۱۲۳	آتشکده.....
۱۲۳	کلیسا.....
۱۲۴	کنیسه.....
۱۲۴	زبان آموزشی.....
۱۲۵	روش‌های آموزشی.....
۱۲۶	بهره‌گیری از شعر تعلیمی (روش آموزشی نوپدید این عصر).....
۱۲۶	گسترش روش مناظره.....
۱۲۷	مواد آموزشی.....
۱۲۸	دورهٔ مکتب.....
۱۲۹	دورهٔ پس از مکتب.....
۱۳۰	برنامهٔ آموزشی.....
۱۳۱	لقب‌ها و عنوان‌های آموزشی و علمی.....
۱۳۲	مؤدب.....
۱۳۲	مستفید.....
۱۳۳	مستملی.....
۱۳۴	مستملی در مجالس عمومی وعظ و تبلیغ.....
۱۳۴	معلم.....
۱۳۵	معید.....
۱۳۵	مُکّیب.....
۱۳۶	اخلاق و آداب آموزشی.....

۱۳۶	پوشاک عالمان و معلمان.....
۱۳۶	اخلاق و آداب معلمی.....
۱۳۷	اخلاق و آداب طلبگی.....
۱۳۹	تنبیه بدنی.....
۱۴۰	وضع مالی و موقعیت اجتماعی معلمان و مؤدبان.....
۱۴۱	محل تأمین هزینه تدریس و تحصیل در شماری از مراکز و نهادهای آموزشی.....
۱۴۲	مال و معاش مؤدبان.....
۱۴۲	وقف و نقش آن در آموزش و پرورش این عصر.....
۱۴۳	ابزار آموزشی.....
۱۴۴	آموزش دختران.....
۱۴۵	شماری از زنان تحصیل کرده و فاضل این دوران.....
۱۴۶	علم و عالمان در ایران این دوران.....
۱۴۶	تفسیر قرآن کریم و علوم قرآنی.....
۱۴۶	فقه و حدیث.....
۱۴۷	ریاضیات، هندسه، نجوم، هیأت.....
۱۴۷	کلام.....
۱۴۷	فلسفه و حکمت.....
۱۴۷	علوم پزشکی.....
۱۴۷	جغرافیا.....
۱۴۷	تاریخ عمومی.....
۱۴۸	تاریخ محلی.....
۱۴۸	عرفان و تصوف.....
۱۴۸	زبان و ادبیات عرب.....
۱۴۸	زبان و ادبیات فارسی.....

فصل ششم: آموزش و پرورش ایران از برآمدن سلجوقیان تا سقوط خوارزمشاهیان (۴۲۹-۵۷۱۶.ق)

۱۴۹	سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۹۰.ق).....
۱۵۳	خوارزمشاهیان (۴۸۵-۵۶۲۲.ق).....
۱۵۶	اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی.....
۱۵۶	زبان فارسی در ایران این عصر.....
۱۵۷	وضع شیعیان در ایران این عصر.....
۱۵۹	آزادی نسبی اقلیت‌های مذهبی.....
۱۵۹	پیدایش پدیده انسانی اتابک.....
۱۵۹	تشویق مردم به علم آموزی.....

۱۵۹	فاصله طبقاتی و نابرابری اجتماعی.....
۱۶۰	آموزش و پرورش در ایران این دوران.....
۱۶۱	مراکز آموزشی و نهادی علمی و فرهنگی.....
۱۶۲	مکتب.....
۱۶۳	اصفهان.....
۱۶۳	باخرز.....
۱۶۳	بخارا.....
۱۶۴	بسطام.....
۱۶۴	خاخر.....
۱۶۴	خوارزم.....
۱۶۴	خراسان.....
۱۶۴	زوزن.....
۱۶۴	سمرقند.....
۱۶۵	مرو.....
۱۶۵	نیشابور.....
۱۶۵	هرات.....
۱۶۵	همدان.....
۱۶۵	فعالیت آموزشی زنان در مکتب.....
۱۶۵	مسجد.....
۱۶۶	اردستان.....
۱۶۶	اصفهان.....
۱۶۷	بخارا.....
۱۶۷	بردسیر.....
۱۶۷	بلخ.....
۱۶۷	بم.....
۱۶۷	تربیت جام.....
۱۶۷	جیرفت.....
۱۶۷	خوارزم.....
۱۶۸	درغان.....
۱۶۸	رضوانشهر.....
۱۶۸	زوزن خواف.....
۱۶۸	سدید.....
۱۶۸	سرخس.....
۱۶۹	سمرقند.....
۱۶۹	شیراز.....

۱۶۹	قاین
۱۶۹	گسکن
۱۶۹	مرو
۱۶۹	مهرویان
۱۶۹	نامین
۱۷۰	نَسَف (نخشب)
۱۷۰	هرات
۱۷۰	همدان
۱۷۰	مدرسه
۱۷۱	آذربایجان
۱۷۱	امل
۱۷۱	ابهر
۱۷۲	ازان
۱۷۲	استرآباد
۱۷۲	اصفهان
۱۷۲	بخارا
۱۷۲	بردسیر
۱۷۲	بلخ
۱۷۳	بم
۱۷۳	پوشنگ
۱۷۳	تبریز
۱۷۳	جربادقان (کلیپگان)
۱۷۳	خوارزم
۱۷۳	خلاط
۱۷۳	جرجان
۱۷۴	زریسک
۱۷۴	زوزن
۱۷۴	سرخس
۱۷۴	سمرقند
۱۷۴	شیراز
۱۷۴	طابران
۱۷۴	طبرستان
۱۷۵	طوس
۱۷۵	غزنین
۱۷۵	کاشان

۱۷۵	کرمان
۱۷۵	گنش
۱۷۶	گنجه
۱۷۶	مراغه
۱۷۶	مرو
۱۷۶	مرورود
۱۷۶	نیشابور
۱۷۶	هرات
۱۷۷	همدان
۱۷۷	یزد
۱۷۷	مدارس شیعی این عصر
۱۷۷	آوه
۱۷۷	بریز
۱۷۸	ری
۱۷۸	سبزوار
۱۷۸	قزوین
۱۷۸	قم
۱۷۸	کاشان
۱۷۸	ورامین
۱۷۹	مدارس نظامیه
۱۷۹	پایه‌گذاری نظامیه‌ها
۱۷۹	ویژگی‌های نظامیه‌ها
۱۸۰	مواد آموزشی نظامیه‌ها
۱۸۰	نظامیه‌های ایران
۱۸۰	نظامیهٔ آمل
۱۸۱	نظامیهٔ اصفهان (مدرسهٔ صدریه)
۱۸۱	نظامیهٔ بلخ
۱۸۲	نظامیهٔ خرگرد خواف
۱۸۲	نظامیهٔ ری
۱۸۲	نظامیهٔ غزنین
۱۸۲	نظامیهٔ طوس
۱۸۲	نظامیهٔ ظاخر
۱۸۳	نظامیهٔ مرو
۱۸۳	نظامیهٔ نیشابور
۱۸۳	نظامیهٔ هرات

۱۸۴	کتابخانه
۱۸۴	اصفهان
۱۸۴	الموت
۱۸۵	باخرز
۱۸۵	بخارا
۱۸۵	بردسیر
۱۸۵	بم
۱۸۵	جیرفت
۱۸۵	خوارزم
۱۸۵	ری
۱۸۶	سرخس
۱۸۶	سمرقند
۱۸۶	طبس
۱۸۶	نیشابور
۱۸۶	هرات
۱۸۶	همدان
۱۸۷	یزد
۱۸۷	حظیره
۱۸۷	حظیره شحامیه در مسجد جامع منیعی نیشابور
۱۸۷	بیمارستان
۱۸۷	بیمارستان سیار
۱۸۸	ابهر
۱۸۸	ازان
۱۸۸	بردسیر
۱۸۸	زنجان
۱۸۸	شیراز
۱۸۸	کاشان
۱۸۸	گنجه
۱۸۸	همدان
۱۸۹	رصدخانه
۱۸۹	خانقاه و رباط
۱۸۹	بردسیر
۱۸۹	بلخ
۱۸۹	تبریز
۱۹۰	جیرفت

۱۹۰	طوس.....
۱۹۰	هرات.....
۱۹۰	همدان.....
۱۹۰	خانه عالمان.....
۱۹۰	اصفهان.....
۱۹۰	بخارا.....
۱۹۰	سمنان.....
۱۹۱	سمرقند.....
۱۹۱	مرو.....
۱۹۱	دکان‌های ورق‌ی و کاغذفروشی.....
۱۹۱	آموزش دختران.....
۱۹۲	۱. جماعت‌خانه دختران امیر فرامرز کاکویی.....
۱۹۲	۲. دختران و پسران در حلقه درس واحد.....
۱۹۳	مدارس ویژه.....
۱۹۳	آموزش پزشکی.....
۱۹۳	آموزش شاهزادگان و امیران.....
۱۹۴	مکتب خاص شاهزادگان.....
۱۹۴	مدرسه نظامی.....
۱۹۴	آموزش‌های دیوانی.....
۱۹۵	سازمان مدرسه.....
۱۹۵	هزینه، اولیا و نیروهای مدرسه.....
۱۹۵	مدرس و معید.....
۱۹۶	پوشش مدرسان.....
۱۹۶	کرسی تدریس.....
۱۹۶	آغاز تحصیل.....
۱۹۷	مواد آموزشی.....
۱۹۷	برنامه آموزشی مکتب.....
۱۹۷	برنامه آموزشی پس از مکتب.....
۱۹۹	شماری از مواد آموزشی ویژه.....
۲۰۰	تدوین متون آموزش فنّ و هنر.....
۲۰۰	زبان آموزشی.....
۲۰۱	روش‌های آموزشی.....
۲۰۲	ابزار آموزشی.....
۲۰۳	وضع مالی و موقعیت اجتماعی معلمان و مؤدبان.....
۲۰۴	وضع مال و معاش معلمان مکتب.....

۲۰۵	وضع مال و معاش استادان مدارس نظامیه.....
۲۰۵	وضع مال و معاش معلمان دیگر مدارس.....
۲۰۷	اخلاق و آداب آموزشی.....
۲۰۸	آداب و اخلاق متعلم.....
۲۰۹	آداب و اخلاق معلم.....
۲۰۹	تنبيه بدنی.....
۲۱۰	زبان و ادبیات فارسی.....
۲۱۲	علم و عالمان در ایران این دوران.....
۲۱۴	فقه و اصول.....
۲۱۴	حدیث و علوم حدیث.....
۲۱۴	تفسیر و علوم قرآنی.....
۲۱۴	کلام.....
۲۱۴	فلسفه.....
۲۱۴	ریاضیات، هیأت، نجوم.....
۲۱۵	علوم پزشکی.....
۲۱۵	عرفان و تصوف.....
۲۱۵	تاریخ عمومی.....
۲۱۵	تاریخ محلی.....
۲۱۵	ادبیات عرب.....
۲۱۵	کشورداری (سیاست مدن).....

فصل هفتم: آموزش و پرورش ایران در عصر ایلخانان و تیموریان (ح. ۶۲۸-۹۱۳ ه.ق.)

۲۱۷	آغاز نکبت.....
۲۱۸	ایلخانان مغول.....
۲۱۹	تیموریان.....
۲۲۰	اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران عصر مغول.....
۲۲۱	زبان و ادبیات فارسی.....
۲۲۱	توجه به تاریخ.....
۲۲۱	صنعت و هنر.....
۲۲۲	احیای مراکز و نهادهای آموزشی شرق ایران.....
۲۲۲	اقتصاد و معاش مردم.....
۲۲۲	تحمیل مالیات کمرشکن بر مردم.....
۲۲۳	حسبیه و احتساب.....
۲۲۳	آموزش و پرورش در ایران این دوران.....
۲۲۳	نهادهای آموزشی و مراکز فرهنگی.....

۲۲۴	مکتب
۲۲۴	تبریز
۲۲۴	سلطانیه
۲۲۵	سمرقند
۲۲۵	شیراز
۲۲۵	هرات
۲۲۵	مسجد
۲۲۵	اردستان
۲۲۶	بلخ
۲۲۶	بسطام
۲۲۶	تبریز
۲۲۶	ترتت جام
۲۲۶	خوارزم
۲۲۶	دامغان
۲۲۶	روشخوار / روشتخوار
۲۲۶	سبزوار
۲۲۷	سلطانیه
۲۲۷	سمرقند
۲۲۷	سمنان
۲۲۷	فریومد
۲۲۷	قزوین
۲۲۷	کرمان
۲۲۷	مرند
۲۲۸	ورامین
۲۲۸	مدرسه
۲۲۸	آمل
۲۲۸	ابرقو
۲۲۸	استرآباد
۲۲۹	اصفهان
۲۲۹	برامان
۲۲۹	بروجرد
۲۲۹	تبریز
۲۲۹	ترتت جام
۲۲۹	جغرتان
۲۳۰	جوین

۲۳۰	خفتیان
۲۳۰	سلطانیه
۲۳۰	سمنان
۲۳۰	شبانکاره
۲۳۰	شبرغان
۲۳۰	قزوین
۲۳۰	قیشدوان
۲۳۱	قم
۲۳۱	کازرون
۲۳۱	کاشغر
۲۳۱	کلاباذ
۲۳۱	کوسویه
۲۳۱	کوشان
۲۳۲	لاهیجان
۲۳۲	میبد
۲۳۲	هرات
۲۳۲	همدان
۲۳۲	یزد
۲۳۲	کتابخانه
۲۳۳	تبریز
۲۳۴	کتابخانه ربع رشیدی
۲۳۴	سمرقند
۲۳۴	سمنان
۲۳۴	شیراز
۲۳۴	کرمان
۲۳۴	مراغه
۲۳۴	هرات
۲۳۵	یزد
۲۳۵	آرامگاه
۲۳۵	حظیره
۲۳۵	هرات
۲۳۵	یزد
۲۳۵	دارالسیاد
۲۳۶	دارالقرآن
۲۳۶	دارالقرآن شیراز

۲۳۶	دارالحديث.....
۲۳۶	شیراز.....
۲۳۷	هرات.....
۲۳۷	جماعت‌خانه.....
۲۳۷	اصفهان.....
۲۳۷	برزشآباد.....
۲۳۷	مُنک.....
۲۳۸	یزد.....
۲۳۸	خانقاه.....
۲۳۸	اردبیل.....
۲۳۹	اصفهان.....
۲۳۹	ایزدخواست.....
۲۳۹	ایذه.....
۲۳۹	تبریز.....
۲۳۹	خوزستان.....
۲۳۹	سمنان.....
۲۴۰	مراغه.....
۲۴۰	نطنز.....
۲۴۰	هرات.....
۲۴۰	دارالحفاظ.....
۲۴۰	تبریز.....
۲۴۰	مشهد مقدس.....
۲۴۰	هرات.....
۲۴۱	بیمارستان یا دارالشفای.....
۲۴۱	اصفهان.....
۲۴۱	خوارزم.....
۲۴۱	خوزستان.....
۲۴۱	همدان.....
۲۴۱	یزد.....
۲۴۲	رصدخانه.....
۲۴۲	سمرقند.....
۲۴۲	مراغه.....
۲۴۳	فضاهای آموزشی — فرهنگی خاص: شنب غازان، سلطانیه، ربع رشیدی (مجموعه‌های ابواب‌الخیری / ابواب‌البری).....
۲۴۳	ربع رشیدی.....

۲۴۴	ربع رشیدی پردیسی دانشگاهی.....
۲۴۴	بخش‌های چهارگانه ربع رشیدی.....
۲۴۴	۱. ربع رشیدی.....
۲۴۴	۲. شهرستان رشیدی.....
۲۴۴	۳. ربض رشیدی.....
۲۴۴	۴. باغ‌های.....
۲۴۴	شیوه اداری و مالی ربع رشیدی.....
۲۴۵	آموزش و پرورش در ربع رشیدی.....
۲۴۶	مقاطع تحصیلی و مواد آموزشی آنها در ربع رشیدی.....
۲۴۶	سرانجام ربع رشیدی.....
۲۴۷	شَنب غازان.....
۲۴۸	گنبد سلطانیه.....
۲۴۹	برنامه و مواد آموزشی این عصر.....
۲۴۹	مکتب.....
۲۴۹	مسجد و مدرسه.....
۲۴۹	کارکنان و عوامل انسانی فعال در مدرسه.....
۲۵۰	القاب و عناوین علمی این عصر.....
۲۵۰	معید.....
۲۵۰	مال و معاش معلمان و مدرسان و شیوخ این عصر.....
۲۵۱	آموزش دختران.....
۲۵۲	آموزش خصوصی.....
۲۵۲	آموزش امیرزادگان و اشراف.....
۲۵۲	آموزش عالم‌زادگان و صوفی‌زادگان.....
۲۵۳	ترتیب صوفیان.....
۲۵۴	روش‌های آموزشی.....
۲۵۴	۱. خواندن متن.....
۲۵۵	۲. روش پرسش و پاسخ میان استاد و شاگرد.....
۲۵۵	۳. روش مکاتبه.....
۲۵۵	۴. مناظره.....
۲۵۵	۵. تکیه بر تکرار و تمرین.....
۲۵۶	وضع شاگردان در مدرسه.....
۲۵۶	ابزار و آلات آموزشی.....
۲۵۷	جبر.....
۲۵۷	دوات.....
۲۵۷	زُکو.....

۲۵۷	محرک
۲۵۷	مداد
۲۵۷	مَقَط
۲۵۷	آداب و اخلاق کتابت و نگارش
۲۵۸	علم و عالمان در ایران این دوران
۲۵۸	علم
۲۵۹	قرائت و تفسیر
۲۶۰	حدیث
۲۶۰	فقه و اصول
۲۶۰	فلسفه و منطق و کلام
۲۶۰	عرفان و تصوف
۲۶۰	اخلاق
۲۶۰	زبان و ادب فارسی
۲۶۰	نثر فارسی
۲۶۰	شعر فارسی
۲۶۰	لغت فارسی و عربی
۲۶۰	فنّ انشا و قواعد و دستور کتابت
۲۶۱	زبان و ادبیات عرب
۲۶۱	تذکره و طبقات الشعرا و شرح حال و مکاتبات
۲۶۱	ادبیات زرتشتی
۲۶۱	جواهر شناسی
۲۶۱	علوم طبیعی (گیاه شناسی، اوضاع و احوال جوّی، کانی‌ها، ...)
۲۶۱	تاریخ محلی
۲۶۱	تاریخ عمومی
۲۶۱	تاریخ اشخاص و خاندان‌ها و دوره‌ها
۲۶۱	جغرافیا
۲۶۱	علوم پزشکی
۲۶۲	ریاضیات
۲۶۲	موسیقی
۲۶۲	هیأت و نجوم
۲۶۲	دانشنامه
۲۶۲	آیین کشور داری
۲۶۳	کتابنامه

دیباچه

ارزش و فایده تاریخ: پیش از اشاره به اصل موضوع، جا دارد یادآور شویم که برخی از اهل نظر تاریخ را علم^۱ و شماری آن را فن (هنر)^۲ دانسته‌اند. اگر تن دهیم که هیچ کوششی نیست که سراسر علم، یا یکسره هنر باشد، خواهیم پذیرفت که دانشمند، تا آنجاکه برای رسیدن به اهداف معرفتی خود، ابزارهایی سازوار و شیوه‌هایی ظریف ابداع می‌کند، هنرمند است؛ و هنرمند تا آنجاکه برای رسیدن به هدف‌های آفرینش هنری خود، در پی معرفت یافتن به جهان برمی‌آید، دانشمند است؛ بنابراین، شاید مهم آن باشد که معلوم داریم کدام فعالیت بیش‌تر علمی و کدام یک بیش‌تر هنری است؛^۳ به هرروی، از ماهیت تاریخ انتظار می‌رود که بیش‌تر علمی باشد تا هنری.

باری، برای بازنمود تاریخ یا تاریخ‌پژوهشی در حوزه‌های گوناگون انسانی، فوایدی برشمارده‌اند که در پی به شماری از آنها اشاره می‌شود:

۱. برای آگاهی فزون‌تر بنگرید: کافجی، المختصر فی علم التاريخ، ص ۵۵-۷۲، ۱۱۷-۱۱۸؛ یروفه یف، تاریخ چیست؟ ترجمه محمد تقی‌زاده، ص ۱۹۰-۱۹۴۱؛ حلاق، مناهج الفکر و الحث التاريخی و العلوم المساعدة و تحقیق المخطوطات، ص ۶۰-۶۱؛ شلبی، مسوعة التاريخ الاسلامی، ج ۱، ص ۲۷-۲۹.
۲. برای آگاهی فزون‌تر بنگرید: مطهری، فلسفه تاریخ، ج ۱، ص ۱۱۹؛ بک، التاريخ الاجتماعی للتربية، ترجمه لیبب النجیحی و دیگران، ص ۱۲؛ فینکس، فلسفه التربية، ترجمه لیبب النجیحی، ص ۶۱۷-۶۱۹.
۳. هلزی هال، تاریخ و فلسفه علم: همراه با بحث‌هایی تجربه‌گرایانه درباره فلسفه علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ص ۲۴.

الف) فهم درست و بهتر مسائل زندگی کنونی: هر فرایندی را تنها از تاریخ آن می‌توان شناخت.^۱ از این حکم کلی که بگذریم باید گفت که امروز، از سویی مستقل از دیروز و گذشته است، و از سویی وابسته و مبتنی بر دیروز و گذشته. تاریخ را برای درک درست نقش گذشته در امروز مطالعه می‌کنیم؛ زیرا، تا زمانی که علل وضع کنونی را درنیابیم این وضعیت هم‌چنان رازی سر به مهر می‌ماند؛ برای فهم درست هر چیز، لازم است علل آن را به‌خوبی درک و دریافت کنیم؛ روشن است که برای فهم درست علل امر کنونی، ناگزیر باید اموری که در گذشته رخ داده‌اند و در وضع کنونی مؤثر افتاده‌اند شناخته و شرح شوند. پس یکی از فواید تاریخ، یاری انسان برای فهم درست و بهتر مسائل و امور و وضع کنونی زندگی است؛ شاید از این‌رو است که گفته‌اند: گذشته را تنها در پرتو نور حال می‌توان فهمید، و زمان حال را فقط در پرتو نور گذشته می‌توان درست درک و دریافت کرد. توانایی درک و دریافت جامعه گذشته (تاریخ)، و افزایش استیلا بر جامعه کنونی از وظایف و فواید دوگانه تاریخ است.^۲

ب) خودشناسی: بهره دیگر تاریخ، خودشناسی است. کسی که خود را شناسد نمی‌تواند انسانی کامل شود. شناخت خود در گرو شناخت تاریخ خویش است؛ زیرا آنچه که هر فرد را چونان فردی خاص، از دیگران متمایز می‌سازد، نوع رابطه او با گذشته و تاریخ وی است. هر فردی از میراثی تاریخی برخوردار است که دین و ملیت و نژاد و خانواده و دیگر وابستگی‌های تاریخی او را، که بخشی جدایی‌ناپذیر از وجود وی است، معلوم می‌دارد. اگر این عناصر میراثی شناخته نباشند، انسان ناشناخته می‌ماند. از رهگذر تاریخ، انسان به ماهیت و چیستی خود پی می‌برد. تاریخ به تاریخ‌پژوه می‌آموزد که انسان چه کرده است و به این ترتیب معلوم می‌شود انسان چیست. کسانی که گذشته را دانسته، نادیده می‌گیرند و به گذشته نمی‌اندیشند یا گذشته را مخدوش می‌کنند، از خودشناسی و اقدام هوشمندانه در زمان حاضر عاجزند.^۳

۱. این سخن به اگوست کنت منسوب است. بنگرید به: میلاره، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۳۲.

۲. کار، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، ص ۸۹.

۳. توین‌بی مورخ و تاریخ، ترجمه حسن کامشاد، ص ۷۶-۷۷.

علامه محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م.)، در کنار اشاره به فواید پرشمار تاریخ و ثبت و ضبط آن، تاریخ را لازمهٔ کاردانی و مرد راه شدن و آگاهی و خودشناسی دانسته و افزوده است که اگر کسی یا ملتی یا قومی گذشته‌اش را فراموش کند یا با آن بیگانه باشد، خودش گم می‌شود.

فرد چون پیوند ایامش گسیخت	شانه ادراک او دندان‌ه ریخت
قوم روشن از سواد سرگذشت	خودشناس آمد ز یاد سرگذشت
سرگذشت او گر از یادش رود	باز اندر نیستی گم می‌شود
نسخه‌ای بود ترا ای هوشمند	ربط ایام آمده شیرازه بند
ربط ایام است ما را پیرهن	سوزنش حفظ روایات کهن
چیست تاریخ ای ز خود بیگانه‌ای	داستانی، قصه‌ای، افسانه‌ای
این ترا از خویشتن آگه کند	آشنای کار و مرد ره کند
روح را سرمایهٔ تاب است این	جسم ملت را چو اعصاب است این
ضبط کن تاریخ را پاینده شو	از نفس‌های رمیده زنده شو
دوش را پیوند با امروز کن	زندگی را مرغ دست آموز کن
رشتهٔ ایام را آور به دست	ورنه گردی روزگور و شب‌پرست
سرزند از ماضی تو حال تو	خیزد از حال تو استقبال تو ^۱

ج) درس گرفتن از تاریخ: فایدهٔ دیگر تاریخ، عبرت‌زایی و جهل‌زدایی است. در متون اسلامی بر این ویژگی تاریخ بسیار تأکید شده است؛ چنانکه در قرآن کریم بارها به مطالعهٔ آثار و احوال گذشتگان دعوت شده‌ایم تا از آنچه بر آنان گذشته است عبرت بگیریم. در نهج البلاغه هم سخت بر نقش عبرت‌آموزی تاریخ تأکید شده است. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اهمیت عبرت‌های تاریخ را تنها در ایجاد بینش اخلاقی و تربیتی نمی‌داند؛ بلکه آن حضرت از منظری چند به این مهم اشاره کرده؛ از آنهاست: ایجاد احساس مسؤلیت در برابر گذشته، نگون‌بختی گذشتگان در پی بی‌توجهی به تاریخ، روشن شدن مفهوم حیات در بستر تاریخ، احیای دل انسان در پرتو

۱. لاهوری، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، ص ۹۹-۱۰۰.

۴ تاریخ تعلیم و تربیت در ایران از ورود اسلام تا برآمدن صفویان

تاریخ، تاریخ علم سازندگی انسان، ...^۱ شاید آن حضرت از این رهگذر می‌کوشد حس تاریخ را که اکثر مردم از آن بی‌خبر و با آن بیگانه‌اند در آنان زنده کند.

اینکه در شه‌نامه‌ها آورده‌اند
رستم و رویه تن اسفندیار
تا بدانند این خداوندان ملک
که ز بسی خلق است دنیا‌یادگار
این همه رفتند و مای شوخ چشم
هیچ نگرفتیم از ایشان اعتبار^۲
نیز:

حدیث پادشاهان عجم را
حکایت‌نامه ضحاک و جم را
بخواند هوشمند نیک‌فرجام
نشاید کرد ضایع خیره‌ایم
مگر که ز خوی نیکان پند گیرند
وز انجام بدان عبرت پذیرند^۳

پند آموزی از تاریخ در آثار شاعران کهن عرب و فارس نیز نمود داشته است. بحتری شاعر قرن سوم، با دیدن ایوان مدائن، قصیده‌ای سینه می‌سراید و در آن درباره کاخ سفید کسری می‌گوید:

حَضْرَتِ رَجُلَى الْهُمُومُ فَوْجَهُ
سَتْ إِلَى «أَبِيضِ الْمَدَائِنِ» عَنَسِي
أَتَسَلَّى عَنِ الْحُطُوطِ وَأَسَى
لِمَحَلِّ مِنْ «أَلِ سَاسَانَ» دَرَسِي^۴

یا خاقانی شروانی شاعر قرن ششم با دیدن ایوان مدائن حس تاریخ در او زنده می‌شود و قصیده‌ای می‌سراید با این مطلع:

هان، ای دل عبرت‌بین از دیده عبّر کن، هان
ایوان مدائن را آینه عبرت دادن^۵
باری، تاریخ، پرونده خرد جمعی بشر است؛ چنانکه گویی بشر بدون تاریخ بی‌هویت می‌شود.^۶ ارزش و جایگاه منبع تاریخ آن مایه است که تاریخ پژوهی را واداشته است بگوید

۱. برای آگاهی از این مفاهیم بنگرید به: نصر، ارزش تاریخ در نهج البلاغه.

۲. سعدی، قصائد، ص ۵۲.

۳. همان، ص ۲۲۴.

۴. بحتری، دیوان البحتری، ص ۱۱۵۴.

۵. خاقانی، گزیده اشعار خاقانی شروانی، ص ۸۳.

۶. مجموعه من الباحثین والأکادیمیین العرب، معجم الفلاسفة الأميركيين: من البراجماتیین إلى ما بعد الحدائیین، ص ۴۵.

ممکن است کسی به ریاضیات و زبان‌های خارجی علاقه نداشته باشد، یا از شیمی چیزی نداند، همان‌طور که ممکن است با ده‌ها دانش دیگر بیگانه باشد؛ با این‌همه، فردی با سواد باشد؛ اما تنها کسی تاریخ را دوست ندارد که کم سواد یا بی‌سواد باشد.^۱

با آنکه شعور تاریخی، چنان جنبه‌ای واقعی و فراگیر در حیات بشر دارد که نمی‌توان دریافت که چگونه ممکن است کسی فاقد چنین شعوری باشد^۲ بیش‌تر مردم جهان فاقد حس و شعور تاریخیند؛ گذشته برای آنان وجود ندارد و، افراد آگاه به تاریخ اقلیتی اندک بیش نیستند.^۳ شاید قرآن کریم که مکرر بشر را به سیر در گذشته اقوام و ملل تشویق می‌کند و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که در نامه خود به امام حسن مجتبی (علیه السلام) وی را به مطالعه تاریخ فرامی‌خواند، یکی از اهدافشان زنده کردن حس تاریخ در بشر است. ملتی که فاقد حس تاریخ باشد، تاریخ را وامی‌نهد؛ یعنی به گذشته بی‌اعتنا می‌شود. بی‌اعتنایی به گذشته بسیار خطرناک و بنیان‌برانداز است. جهل به گذشته از سویی وسایل پیشرفت و تجدد را فراهم نمی‌آورد و از سوی دیگر به فراموشی گذشته می‌انجامد که گونه‌ای روان‌نژندی جمعی است و نمی‌گذارد مسائل امروز درست فهم شوند و برای حل آنها راه معقول برگزیده شود. با پشت کردن به تاریخ در واقع تنها گذشته را از دست نمی‌دهیم؛ بلکه راه آینده را نیز تاریک و نامعلوم می‌کنیم و در عمل، خود را از پیشرفت و گشایش افق‌های تازه در حیات ملی محروم می‌داریم.^۴

این کتاب و آثار هم موضوع آن گذشته از تاریخ و فرهنگ و تعلیم و تربیت، در شمار آثاری می‌نشیند که امروزه در مراکز جهانی از آنها با عنوان مطالعات ایرانی یا «ایران‌شناسی» یاد می‌شود. یکی از شاخه‌های بس مهم و مبارک ایران‌شناسی، شرح و بسط تاریخ آموزش و پرورش ایران است، کاری که در این نوشتار کوشش شده است اندکی بدان پرداخته شود. به این ترتیب در فصول هفت‌گانه این اثر، به اختصار از آموزش و پرورش در دوره‌های تاریخی برگزیده ایران به ترتیب در پی یاد شده است: فصل اول، آموزش و پرورش ایران در دوران خلفای راشدین؛ فصل دوم، آموزش و پرورش ایران در دوره اموی (۴۱-۱۳۲ ه.ق)؛ فصل سوم، آموزش

۱. بروفه یف، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، ص ۱۸۸.

۲. گالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، ص ۲۰.

۳. توین بی، توین بی، مورخ و تاریخ، ترجمه حسن کامشاد، ص ۷۶-۷۷.

۴. مجتهدی، مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی در قرون وسطی، ص ۶.

۶ تاریخ تعلیم و تربیت در ایران از ورود اسلام تا برآمدن صفویان

و پرورش ایران در عصر نخست عباسی (۱۳۲-۲۳۲ه.ق)؛ فصل چهارم، آموزش و پرورش ایران در عصر طاهریان (۲۰۵-۲۵۹ه.ق)؛ فصل پنجم، آموزش و پرورش ایران از صفاریان تا سلجوقیان ایران (۲۵۹-۴۲۹)؛ فصل ششم، آموزش و پرورش ایران از برآمدن سلجوقیان تا سقوط خوارزمشاهیان (۴۲۹-۷۱۶ه.ق)؛ فصل هفتم، آموزش و پرورش ایران در عصر ایلخانان و تیموریان (ح.۶۲۸-۹۱۳ه.ق). در شرح و شکافت مطالب کوشش شده است به حداقل بسنده شود؛ برای مثال در بازکاوای نهادهای آموزشی به ذکر یک یا دو مورد بسنده شده است؛ برای نمونه هنگام بازنمود مدارس نیشابور در عصر سلجوقیان و خوارزمشاهیان، از ۵۴ باب مدرسه این دوران نیشابور که در متون تاریخی و رجال و... بدانها دست یافتیم، تنها به یادکرد مدرسه‌ای چند اکتفا شده است.

این اثر دومین جلد از مجموعه‌ای ۱۰ جلدی درباره تاریخ تعلیم و تربیت در ایران است که این قلم‌زن تا کنون توفیق یافته است ۸ جلد آن را تدوین و تحریر کند.^۱ درباره موضوع این جستار تا کنون به فارسی و عربی هیچ تک‌نگاشتی (نگاره‌ای برای بررسی محدود و تک‌موضوعی) قلمی نشده است؛ گرچه ممکن است درباره شماری از موضوعات آن مقالاتی تحریر گشته باشد، همچنانکه گاه در آثاری که درباره تاریخ تعلیم و تربیت در ایران پرداخته شده است، به برخی از مسائل مطرح شده در این اثر نیز نظری شده است؛ بنابراین بداعت موضوع پژوهش و گنگی برخی از برهه‌های تاریخ ایران پس از اسلام و کمبود و گاه نبود منابع، و از همه مهم‌تر معطوف نبودن نگاه مورخان پیشین ما به آموزش و پرورش عصر خود و دوران‌های پیش از آن، از دشواری‌های تک‌وتاب در این حوزه پژوهشی است و، از قضا نگارنده نیز در روند تحقیق و تألیف این نگاشته، سخت با این سختی دست و گریبان بوده است.

۱. عناوین این مجموعه به شرح در پی است: ۱. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر باستان؛ ۲. تاریخ تعلیم و تربیت اقلیت‌های توحیدی در ایران عصر ساسانی (یهود و ترسایان)؛ ۳. سیر تحول تاریخ تعلیم و تربیت در ایران پیش و پس از اسلام؛ ۴. تاریخ مختصر تعلیم و تربیت در ایران از ورود اسلام تا برآمدن صفویان؛ ۵. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر اموی تا غزنویان؛ ۶. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر سلجوقیان و خوارزمشاهیان؛ ۷. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر ایلخانان و تیموریان؛ ۸. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر صفوی؛ ۹. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر قاجار؛ ۱۰. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران عصر پهلوی.